

روند

فعالیت‌های صنعتی در جهان و موقعیت ایران

کورس صدیقی

دوره ۱۵۲

تراکم و تمرکز صنعتی با توجه به توزیع سهم کشورهای در ارزش افزوده و صادرات صنعتی جهان نیز روندی رو به کاهش داشته است. این از یک سو به سبب کاهش سهم ایالات متحده در ارزش افزوده صنعتی جهان و از سوی دیگر به علت کاهش سهم اکثر کشورهای پیشرفته در صادرات صنعتی جهان بوده است. سهم ده کشور برتر، ایالات متحده، ژاپن، آلمان، چین، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، کانادا و اسپانیا، در ارزش افزوده صنعتی جهان از ۸۰/۴ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۷۶/۱ درصد در سال ۱۹۹۸ کاهش یافته است. در این دوره سهم ۱۰ کشور برتر در صادرات صنعتی جهان ایالات متحده، آلمان، ژاپن، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، چین، کانادا، بلژیک و هلند، نیز از ۷۱/۲ درصد به ۶۴/۶ درصد کاهش یافته است. در روند فعالیت‌های صنعتی دو دهه گذشته همواره

صنعت و گسترش و تعمیق فرآیند تولید بین‌المللی بوده است.

۲- تمرکز در تولید و صادرات صنعتی: سهم کشورهای پیشرفته صنعتی در ارزش افزوده و صادرات صنعتی جهان در دو دهه گذشته روندی رو به کاهش داشته است، لیکن این کشورها همچنان بیش از ۷۵ درصد ارزش افزوده و حدود ۷۴ درصد صادرات صنعتی جهان را در اختیار دارند. سرانه ارزش افزوده صنعتی در کشورهای پیشرفته در شرایط کنونی تقریباً ۱۷ برابر سرانه ارزش افزوده صنعتی در کشورهای در حال توسعه است، در حالی که این نسبت در اواسط دهه ۱۹۸۰ در حدود ۱۸ برابر بوده است. سرانه صادرات صنعتی در کشورهای پیشرفته نیز در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از ۲۲ برابر در سال ۱۹۸۵ به ۱۵ برابر در سال ۱۹۹۸ تقلیل یافته است. در همین حال

در دو دهه آخر قرن بیستم تحولات عمده‌ای در روند فعالیت‌های صنعتی در جهان و نیز در ساختار و ترکیب فن‌آوری این فعالیت‌ها رخ داده است که مهم‌ترین موارد آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱- رشد سریعتر صادرات صنعتی نسبت به ارزش افزوده صنعتی: در طول دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۸ ارزش افزوده و صادرات صنعتی جهان سالانه به‌طور متوسط به ترتیب ۶/۵ درصد و ۹/۹ درصد افزایش یافته است.

در طی همین دوره، رشد ارزش افزوده و صادرات صنعتی در کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۷/۵ درصد و ۱۳/۳ درصد بوده است. رشد سریع‌تر صادرات صنعتی نسبت به ارزش افزوده صنعتی یکی از نتایج و پیامدهای مهم جهانی شدن

میزان تمرکز فعالیت ها در زمینه تولید بیش از صادرات صنعتی بوده است.

۳- دگرگونی در توزیع فعالیت های

صنعتی در مناطق در حال توسعه جهان:

در سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۸، سهم منطقه آسیای شرقی در کل ارزش افزوده مناطق در حال توسعه جهان از ۴۳ درصد به ۵۳ درصد افزایش یافته است و در نتیجه آن سهم کلیه مناطق دیگر، به جز خاورمیانه و شمال افریقا، کاهش یافته است. حدود ۵۶ درصد از رشد ارزش افزوده صنعتی منطقه آسیای شرقی ناشی از رشد صنعتی چین بوده است. منطقه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب از لحاظ سرانه ارزش افزوده صنعتی بر سایر مناطق در حال توسعه برتری داشته، لیکن رشد صنعتی آن از منطقه آسیای شرقی کمتر بوده و سهم ارزش افزوده صنعتی آن از کل ارزش افزوده صنعتی کشورهای در حال توسعه حدود ۷ درصد کاهش یافته است. منطقه آسیای جنوبی از لحاظ رشد صنعتی عملکرد نسبتاً مناسبی داشته، اما سرانه ارزش افزوده صنعتی آن همچنان در مقایسه با سایر مناطق (به استثنای آفریقای زیرصحرا) بسیار اندک بوده و در طول دوره مورد بحث از حدود ۴۲ دلار تنها به ۶۵ دلار افزایش یافته است. منطقه آفریقای زیر صحرا (بدون آفریقای جنوبی) در پایان قرن بیستم فقط یک درصد از مجموع ارزش افزوده صنعتی کشورهای در حال توسعه را تولید می کرده و از لحاظ سرانه ارزش افزوده صنعتی در پایین ترین رده بوده است. در دوره ۱۹۸۵-۱۹۸۸ سرانه ارزش افزوده این منطقه از ۴۹ دلار به ۴۰ دلار تقلیل یافته است. نابرابری هایی که در توزیع ارزش افزوده صنعتی و همچنین رشد آن در مناطق مختلف جهان وجود داشته با شدت بیشتری در مورد توزیع و رشد صادرات صنعتی نیز صادق بوده است.

در بین کشورهای در حال توسعه منطقه آسیای شرقی بیشترین سهم را در صادرات صنعتی داشته است. در دوره مورد بحث منطقه به حدود دو سوم کل صادرات صنعتی مناطق در حال توسعه

افزایش یافته است. بدین ترتیب در سال های پایانی قرن گذشته سرانه صادرات صنعتی منطقه آسیای شرقی (بدون چین) معادل ۸۵ برابر سرانه صادرات صنعتی آفریقای زیر صحرا، ۳۷ برابر منطقه آسیای جنوبی، بیش از ۵ برابر منطقه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (بدون مکزیک) و همچنین بیش از ۵ برابر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و ترکیه بوده است. رشد سریع صادرات صنعتی منطقه آسیای شرقی همزمان با موج سوم جهانی شدن اقتصاد و صنعت، در کاهش سهم سایر مناطق در حال توسعه انعکاس یافته است. در دوره مورد بحث سهم منطقه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب با احتساب مکزیک از ۲۲/۱ درصد به ۱۸/۱ درصد و بدون احتساب مکزیک از ۱۷/۸ درصد به ۸/۱ درصد (حدود ۱۰ درصد) تقلیل یافته است. طی این دوره سهم منطقه خاور میانه و شمال آفریقا و ترکیه نیز از ۸/۸ درصد به ۵/۱ درصد (معادل ۳/۷ درصد) کاهش یافته است.

از لحاظ توزیع جغرافیایی فعالیتهای صنعتی، تراکم و تمرکز کشورها در گروه اقتصادهای در حال توسعه در زمینه ارزش افزوده و صادرات صنعتی در دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۸ روندی روبه افزایش داشته، اما میزان این تمرکز در مورد صادرات صنعتی بیشتر بوده است. در زمینه ارزش افزوده صنعتی پنج کشور از آسیای شرقی - چین، کره جنوبی، تایوان، تایلند و اندونزی - و سه کشور از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب - برزیل، مکزیک و آرژانتین - و یک کشور از آسیای جنوبی - هند - بر دیگران برتری داشته اند. این پراکندگی جغرافیایی در

مورد صادرات صنعتی کمتر بوده است. هشت کشور از ده کشور اول در زمینه صادرات صنعتی از آسیای شرقی - چین، کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، مالزی، تایلند، فیلیپین و اندونزی - و دو کشور از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (مکزیک و برزیل) بوده اند. در هر دو زمینه یعنی هم در مورد ارزش افزوده صنعتی و هم در مورد صادرات صنعتی چین، در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه پیشتاز، برتری آشکار داشته است و در دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۸ سهم خود را در زمینه ارزش افزوده صنعتی از ۲۲/۲ درصد به ۲۹/۰ درصد و در زمینه صادرات صنعتی از ۳/۱ درصد به ۱۷/۰ درصد افزایش داده است.

۴- تغییر در ساختار فن آوری:

محصولات صنعتی برخوردار از فن آوری متوسط و برتر تشکیل می داده است. افزایش سریع سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات محصولات برخوردار فن آوری برتر در طول این دوره (از ۱۱/۶ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۱۸/۲ درصد در سال ۱۹۹۸) بیشتر ناشی از توسعه و تعمیق فرآیند بین المللی شدن تولید و شکل گیری شبکه ها و زنجیره های تولید و تجارت جهانی است. رشد فعالیت های صنعتی مرتبط با فن آوری اطلاعات و ارتباطات همراه با تجزیه مراحل مختلف تولید صنعتی و انتقال بخش هایی از این تولید به کشورهای در حال توسعه، گسترش تجارت درون بنگاهی و امکانات اقتصادی با صرفه ای که، به لحاظ نسبت بالای ارزش افزوده به وزن اینگونه محصولات، برای مبادلات گسترده و از جمله تجارت اجزاء و قطعات صنعتی و استفاده از تفاوت های اندک در هزینه تولید فراهم شده از عوامل مهم اثرگذار بر عملکرد صادراتی کشورهای در حال توسعه در این زمینه بوده است. بررسی هایی که در زمینه پیکربندی جغرافیایی صادرات صنعتی در جهان انجام شده حکایت از آن دارد که همواره و در همه گروه های فن آوری سهم بسیار عمده ای از این صادرات را شمار محدودی از کشورها و به عمده کشورهای



پیشرفته صنعتی در اختیار داشته اند. اما در عین حال میزان تراکم و تمرکز در توزیع جغرافیایی صادرات صنعتی در رده های مختلف فن آوری با یکدیگر متفاوت بوده و صادرات با فن آوری پائین و همچنین صادرات صنعتی متکی به منابع طبیعی از این لحاظ دارای تمرکز کمتری بوده است. فراوانی کشورهای پیشرفته صنعتی در فهرست صادرکنندگان برتر در حوزه محصولات صنعتی با فن آوری پائین و تداوم برتری آن ها به رغم دستمزدهای نسبتاً بالا و رو به افزایش در این کشورها در یک دوره نسبتاً بلند مدت بیانگر این مطلب است که نیروی کار غیر ماهر ارزان نمی تواند نقش مسلطی را در ایجاد مزیت های رقابتی پایدار داشته باشد. رتبه بندی کشورها بر اساس سهم آن ها در صادرات صنعتی متکی به منابع طبیعی نیز نشان می دهد که در دو مقطع ۱۹۸۵ و ۱۹۹۸ با وجود آن که صادرات کالاهای نخستین در ترکیب صادرات بسیاری از کشورهای در حال توسعه سهم عمده ای داشته لیکن برتری های رقابتی در پردازش و فن آوری کالاهای نخستین در اختیار کشورهای صنعتی بوده است و این در شرایطی است که عموم این کشورها پایه منابع طبیعی وسیعی را در اختیار ندارند. در این زمینه نیز فن آوری و توانمندی های صنعتی و برخورداری از امکانات و تجهیزات پردازش پیچیده و سرمایه بر و سازماندهی های پیشرفته صنعتی و شبکه های تولید بین المللی، بازاریابی و مارک و نشان های تجاری از عوامل مهم اثر گذار در ایجاد این گونه برتری های رقابتی بوده است.

موقعیت ایران از دیدگاه فعالیت های

صنعتی: بررسی فعالیت صنعتی ایران در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ بر اساس ارزش افزوده، صادرات و ساختار فن آوری فعالیت ها و مقایسه آن با فعالیت های صنعتی در جهان و در کشورهای در حال توسعه بیانگر آن است که بخش صنعت ایران در این دو دهه به طور کلی در انطباق با الزامات تجاری - صنعتی بین المللی و تحولات فن آوری ناتوان بوده است. طی

سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ سرانه ارزش افزوده صنعتی ایران از ۲۱۹ دلار به ۲۷۲ دلار و سرانه صادرات صنعتی از ۱۸ دلار به ۳۳ دلار افزایش یافته است. سرانه صادرات صنعتی جهان و کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۸ به ترتیب برابر ۸۲۱ دلار و ۲۴۲ دلار بوده است. از لحاظ ساختار فن آوری فعالیت های صنعتی نیز در شرایطی که سهم فعالیت های برخوردار از فن آوری متوسط و برتر در ارزش افزوده صنعتی جهان و کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۵۸٪ و ۴۸٪ درصد بوده است، سهم این گونه فعالیت ها در ارزش افزوده و صادرات صنعتی ایران به ترتیب ۳۳٪ و ۴۰٪ درصد بوده است. سهم فعالیت های برخوردار از فن آوری های برتر در صادرات صنعتی جهان و

کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۸ به ترتیب ۲۵٪ و ۲۸٪ درصد بوده است، اما سهم این گونه فعالیت ها در صادرات صنعتی کشور تنها ۰/۴ درصد بوده است که نشانه فاصله بسیار زیاد بخش صنعت ایران با وضعیت کنونی فعالیت های صنعتی در جهان و در کشورهای در حال توسعه است. بدین ترتیب عملکرد بخش صنعتی ایران، در این دوره بسیار محدودتر از آن بوده که توان واقعی رشد این بخش را در یک دوره بلند مدت متناسب با الزامات و امکانات بازارهای داخلی و خارجی - حتی در مقایسه با کشورهایی که از توان به مراتب کمتری نسبت به ایران برخوردار بوده اند - منعکس کند.

* مشاور ارشد سازمان مدیریت و برنامه ریزی

